

ذهن، مغز، شناخت

پروانه خسروی زاده

استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی


دانشگاه صنعتی شریف

khosravizadeh@sharif.ir

چکیده

مسئله‌ی شناخت و چگونگی شکل‌گیری آن پرسشی است که همواره در طول تاریخ مطرح بوده است. هرچند مکاتب مختلف فلسفی با نگرش‌هایی متفاوت از دوران باستان تاکنون به این پرسش پرداخته‌اند، اما هنوز پاسخی روشن برای این سؤال وجود ندارد. پاسخ به این سؤال در حوزه‌ی مطالعاتی علمی چون فلسفه، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، عصب‌شناسی و علوم شناختی قرار دارد و از این رو، اندیشمندان بسیاری به این بحث علاقه نشان داده‌اند. تمایز اصلی میان دیدگاه اندیشمندان برای یافتن پاسخی قابل قبول به این پرسش در یک کلام به جایگاه شناخت برمی‌گردد و فرض وجود یا عدم وجود ذهن را دربر می‌گیرد. نگارنده‌ی این سطور ضمن مروری بر دیدگاه‌های مختلف فکری در این زمینه، می‌کوشد با تلفیقی از مفاهیم پایه در مکاتب گوناگون فرضیه‌ای از شکل‌گیری شناخت را مطرح کند. در این راستا، فرض وجود ذهن و سطوح مختلف آن می‌تواند راه‌گشا باشد. نگارنده این احتمال را در نظر می‌گیرد که ذهن از لایه‌های درهم‌تنیده‌ای تشکیل شده که از سطوح انتزاع یکسانی برخوردار نیستند. برپایه این فرض می‌توان از جهان بیرونی، جهان درونی، و بی‌جهانی سخن به میان آورد.

کلیدواژه‌ها: معنی‌شناسی^۱، علوم شناختی^۲، شناخت^۳، ذهن^۴، مغز^۵، ادراک حسی^۶، ادراک مفهومی^۷.

- 
- ¹ Semantics
 - ² Cognitive Sciences
 - ³ cognition
 - ⁴ mind
 - ⁵ brain
 - ⁶ perception
 - ⁷ conception